

مفهوم ایران و ایران کربالی در آثار اندیشه و رزان عصر ناصری

(۱۳۱۳-۱۳۶۴ق)

عبدالمجیدی





عنوان و نام پدیدآور:	مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)/عبدالمجید ایدی؛ ویراستار شقایق فتحعلی‌زاده.
مشخصات نشر:	تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۳۱۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵۲۸-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
رده بندی کنگره:	DSR ۱۴۸۳
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۲۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی:	۶۱۵۲۱۵۶



مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری  
(۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)

نام پدیدآور: عبدالمجید ایدی

ویراستار: شقایق فتحعلی‌زاده

طراح جلد: جمال سرورسندان

چاپخانه: روز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۲۸-۴

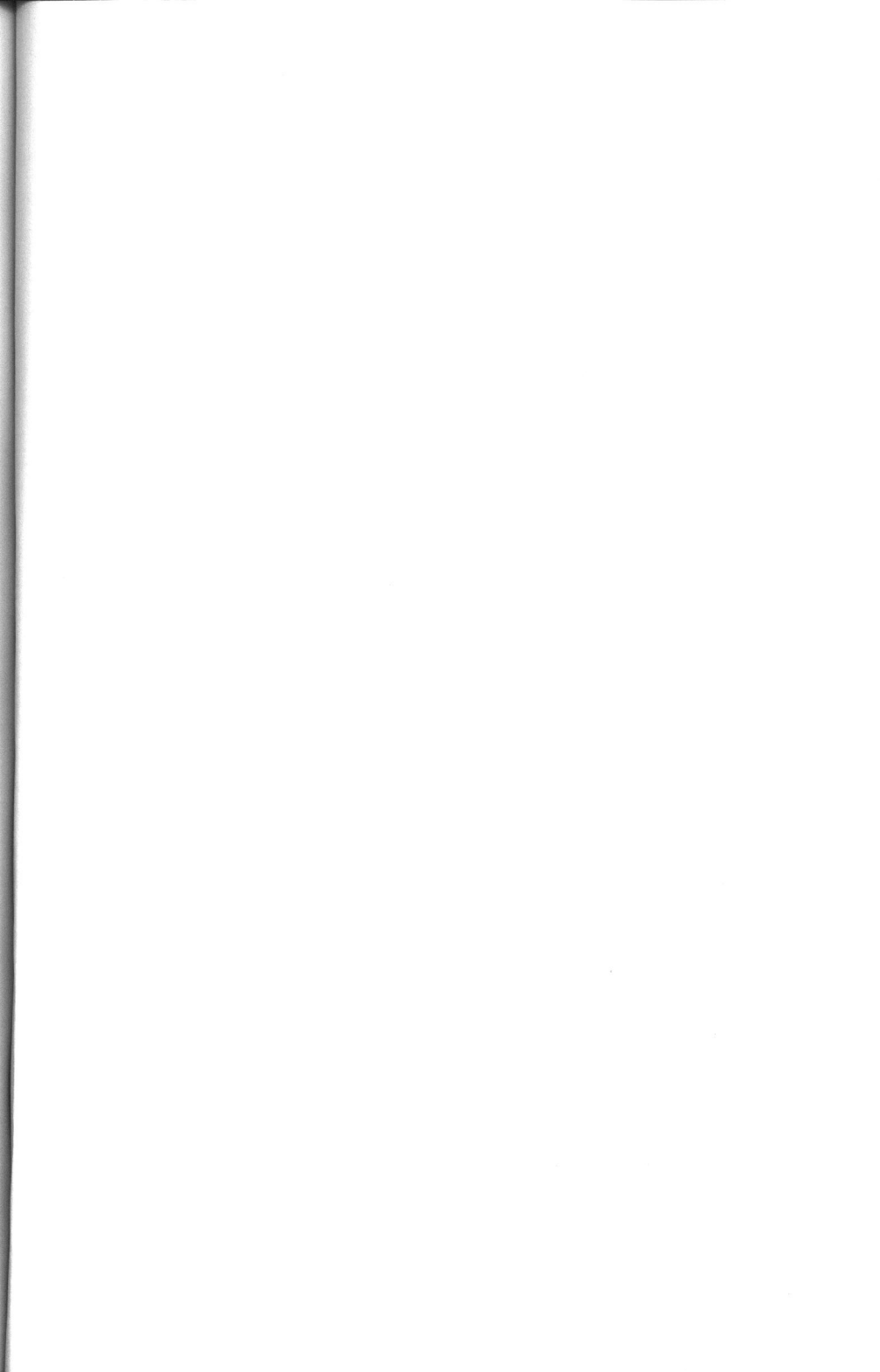
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

تقدیم به:

به همسر و فرزندانم

به پاس بردباری ایشان



## فهرست

۱	مقدمه
	تحولات سیاسی و روندهای فرهنگی تاثیرگذار بر شکل‌گیری آگاهی عمومی از مفهوم جدید
۹	ایران و ایران‌گرایی در عصر ناصری
۹	درآمد
۱۵	زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ورود افکار و موسسات نوین در عصر ناصری
۱۷	وقایع اتفاقیه
۱۹	میرزا حسین‌خان سپهسالار و انتشار روزنامه
۲۴	سایر روزنامه‌های دولتی در عصر ناصری
۲۸	روزنامه‌های خارج از کشور
۴۱	مدارس و مراکز آموزشی نوین
۴۹	مدارس خارجی
۵۱	ترجمه در عصر ناصری
۵۸	شبکه تلگراف
۶۱	مفهوم ایران و ایران‌گرایی در متون تاریخی سنتی و آثار جغرافیایی
۶۱	درآمد
۶۷	زندگینامه و آثار محمدتقی‌خان لسان‌الملک سپهر
۶۹	ناسخ التواریخ سپهر و توجه به حدود و مرزهای جغرافیایی و سیاسی ایران
۷۲	زندگینامه و آثار رضاقلی‌خان هدایت
۷۴	سفارتنامه خوارزم و خودآگاهی ایرانی نویسنده آن
۷۸	عناصر باستانی و سرحدات تاریخی ایران در روضه‌الصفای ناصری
۸۱	زندگینامه و آثار میرزا جعفرخان خورموجی
۸۴	کتاب حقایق الاخبار و روایت ممالک محروسه ایران
۸۷	جغرافیای تاریخی ایران در کتاب نزهت الاخبار
۸۹	زندگی و آثار میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک
۹۱	توجه به سرحدات جنوب غربی ایران در سفرنامه خوزستان
۹۵	زندگینامه و آثار ممتحن‌الدوله
۹۶	مأثر مهدیه و توصیف شورانگیز وطن با تکیه بر دانش نوین جغرافیا
۱۰۲	زندگینامه و آثار اعتمادالسلطنه
۱۰۹	کتاب مرآت البلدان آینه جغرافیای شهرهای ایران

رساله تطبیق لغات جغرافیایی؛ ترویج آگاهی‌های عمومی از جغرافیای تاریخی و طبیعی

- ایران----- ۱۱۳
- مفهوم ایران و ایران‌گرایی در متون تاریخی جدید و رسائل انتقادی ----- ۱۱۸
- درآمد ----- ۱۱۸
- ایران و ایران‌گرایی در کتاب درالتیجان فی التاریخ بنی‌الاشکان ----- ۱۲۲
- کتاب خلسه؛ روای اعتقاد السلطنه و حسرت از دست رفتن مرزهای ایران ----- ۱۲۷
- کتاب اجمل‌التواریخ؛ هدایت و برکشیدن ایران باستان ----- ۱۳۰
- زندگینامه و آثار اعتضاد السلطنه ----- ۱۳۲
- نگرشی متفاوت به ایران باستان در اکسیرالتواریخ ----- ۱۳۴
- زندگینامه و آثار فرصت‌الدوله شیرازی ----- ۱۳۸
- کتاب آثار عجم؛ توصیف تاریخ باستانی ایران با رویکرد علمی ----- ۱۴۳
- زندگینامه جلال‌الدین میرزا ----- ۱۴۶
- نامه خسروان و تلاش به منظور تدوین تاریخ ملی ----- ۱۴۸
- زندگینامه و آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده ----- ۱۵۳
- مکتوبات کمال‌الدوله و ایران‌گرایی بر مبنای مفاهیم جدید ----- ۱۵۸
- زندگینامه و آثار میرزا آقاخان کرمانی ----- ۱۶۶
- آیین‌سکندری؛ نگاه علمی به کیش باستانی و تاریخ ایران باستان ----- ۱۷۰
- کتاب سه مکتوب؛ تلاش در جهت احیای «ملت» ایران ----- ۱۷۷
- کتاب صدخطابه؛ وصف شورانگیز تاریخ و اساطیر ایران ----- ۱۸۲
- زندگینامه و آثار طالبوف تبریزی ----- ۱۸۹
- کتاب احمد و دیدگاه وطن‌گرایانه در توصیف وطن ----- ۱۹۱
- مسالک‌المحسنین؛ در جست و جوی ایران آرمانی ----- ۱۹۸
- سیاست‌طالبی؛ توصیف واقعیت ایران از منظر طالبوف ----- ۲۰۲
- زندگینامه و آثار مجدالملک سینکی ----- ۲۰۶
- ایران در اندیشه سینکی ----- ۲۰۷
- زندگینامه زین‌العابدین مراغه‌ای ----- ۲۱۰
- سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ آینه وطن‌پرستی ----- ۲۱۳
- تعاملات نماینده پارسیان هند با نخبگان عصر ناصری و نشر متون نوزرتشتی ----- ۲۱۹
- درآمد ----- ۲۱۹
- تحولات جامعه پارسیان هند در قرن نوزدهم میلادی ----- ۲۲۵
- مانکجی لیمجی هاتریا و زرتشتیان ایران ----- ۲۳۲

۲۳۵	-----	مانکجی؛ میراث باستانی ایران و نشر متون نوزرتشتی
۲۴۲	---	مانکجی و تعاملات او با نخبگان عصر ناصری پیرامون سره‌نویسی و تاریخ ایران
۲۵۸	-----	سخن پایانی
۲۶۷	-----	پیوست‌ها
۲۸۳	-----	منابع و مأخذ
۲۸۳	-----	الف) اسناد
۲۸۳	-----	ب) نسخه‌های خطی
۲۸۴	-----	ج) مطبوعات
۲۸۶	-----	د) منابع و پژوهش‌های چاپی فارسی
۲۹۸	-----	هـ) پایان نامه/رساله
۲۹۸	-----	و) منابع و پژوهش‌های چاپی انگلیسی
۳۰۱	-----	اعلام





## مقدمه

چیستی مفهوم ایران و مظاهر ایرانیت و ایران‌گرایی در طول تاریخ معاصر ایران همواره محل بحث‌های فراوان بوده است و در دو قرن گذشته، روشنفکران، سیاست‌پیشگان و پژوهشگران بسیاری با پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه به سراغ آن رفته‌اند و بسته به خاستگاه فکری و ایدئولوژیک خود به نتایجی متفاوت و در مواردی متناقض در این باب نائل گشته‌اند. از طرفی دیگر، در هم تنیدگی مفاهیم این حوزه همچون ایرانیت، ایران‌گرایی، هویت ایرانی، هویت ملی، ملیت، ملی‌گرایی، وطن‌پرستی و .. باعث گردیده تا به امروز پاسخ مورد اتفاقی در باب منشا تاریخی شکل‌گیری مفهوم ایران و ویژگی‌ها و مصادیق بیرونی آن در هر دوره مطرح نشده باشد و این مقوله همچنان مورد مناقشه باقی بماند.<sup>۱</sup> لذا به منظور نزدیک شدن به پاسخی مناسب در این حوزه، رهیافت

---

۱. در باب ریشه‌های تکوین پدیده ملت، ملیت و هویت ملی سه دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه اول به کهن‌گرایان تعلق دارد. از منظر ایشان پدیده‌های مزبور از عصر باستان در میان جوامع بشری وجود داشته است. این دیدگاه بیشتر در میان ناسیونالیست‌های افراطی شایع می‌باشد. این روایت، از اواخر قرن هجدهم در اروپا و آمریکا سر برآورد و به نیروی محرک جنبش‌های ناسیونالیستی و وحدت ملی در اروپا و آمریکای قرن نوزدهم و کشورهای آسیایی و آفریقایی در قرن بیستم تبدیل شد. ادوارد شیلز و کلیفورد گریتر از جمله نظریه‌پردازانی به شمار می‌روند که به وجود ازلی ملت‌ها در تمام طول تاریخ معتقدند. دیدگاه دوم متعلق به نوگرایان است. در این دیدگاه مدرن و پست‌مدرن، مفهوم ملت از پندارهای عصر جدید تلقی گردیده است. این دیدگاه از اواسط قرن بیستم در واکنش به آثار نامطلوب نژادپرستی که فضای اروپا را در فاصله میان دو جنگ جهانی آکنده از وحشت کرده بود، شکل گرفت. باورمندان به این دیدگاه از افراط فاصله گرفتند و به تقریب مبتلا شدند و به نفی گذشته تاریخی ملت‌ها پرداختند. برای آگاهی‌های بیشتر بنگرید به: اشرف، احمد، (۱۳۹۵)، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین: حمید احمدی، ایران، تهران، نشر نی، ص ۳۰-۲۵؛ احمدی، حمید، (۱۳۷۶)، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۶-۱۱۵، ص ۷۳-۷۲

تاریخی، یکی از روش‌های پیشرو است. از این رو در این کتاب ضمن پرداختن به مفهوم ایران در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری و بررسی زمینه‌ها و عوامل موثر بر شکل‌گیری ایران‌گرایی نوین و مصادیق آن، گامی کوچک در جهت پر کردن خلاهای موجود در این حوزه و روشن شدن زوایای تاریک آن برداشته شده است.<sup>۱</sup>

---

۶۰ و ۶۵؛ شیرازی، اصغر، (۱۳۹۵)، ایرانیت، ملیت، قومیت، تهران، ایران، جهان کتاب، ص ۳۱. در میان نظریه پردازان قائل به جدید بودن پدیده ملیت می‌توان به اریک هابسباوم (Eric Hobsbawm) و بندیکت اندرسون (Benedict Anderson) اشاره نمود اندرسون در کتاب خود نظریه «جوامع خیالی» را در رابطه با این موضوع طرح نموده است. به نظر وی در عصر جدید «تصور اجتماعات ملی» از طریق چاپ کتاب و روزنامه، مدارس و رادیو و تلویزیون، پدید آمده است. وی این پدیده را «سرمایه داری چاپ» (Print-Capitalism) نامیده است.

Anderson, Benedict. (۲۰۰۶), *Imagined Communities Reflection on Origin and spread Nationalism*, Revised Edition, published by Verso, London, New York, p ۴۲-۴۶.

در میان نویسندگان ایرانی که قائل به دیدگاه دوم هستند می‌توان به مصطفی وزیری اشاره نمود. وی بر این باور است که ایرانیان در طول تاریخ مردمانی پراکنده بوده‌اند و هیچ آگاهی و شناختی از وجود یکدیگر نداشته‌اند و ملیت در نهایت در قرن بیستم توسط روشنفکران و مورخان ایرانی به گفتمان غالب جامعه ایرانی بدل گردیده است.

Vaziri, Mostafa (۱۹۹۳), *Iran as Imagined Nation: The Construction of National Identity*, New York, Paragon House, p ۶۱۴۲-۱۹۶

۱. لازم به ذکر است، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که بر اساس آن احساسات ملی و هویت ملی پدیده‌هایی کهن به شمار می‌روند ولی سیاسی شدن آنها یک رویداد مدرن است و به دوران معاصر باز می‌گردد. این نظریه ضمن رد انگاره ذات‌گرایانه مفهوم کهن هویت ملی و رد دیدگاه‌های مدرن و پست-مدرن مبنی بر گسست عمیق تاریخی در ریشه ملت‌ها، بر نقش نیروهای تاریخی در شکل‌گیری ملت‌های مدرن تاکید می‌کند. طرفداران دیدگاه تاریخی‌نگر اجتماعات قومی و ملت‌ها را پدیده‌های در حال تغییر و تحول می‌دانند. آنتونی اسمیت (Anthony Smith) و جیمز مک کی (James Mckay) از قائلین به این نظریه هستند. شیرازی، ایرانیت، ملیت، قومیت، ص ۳۱؛ اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۹-۳۷. در میان نویسندگان ایرانی نیز احمد اشرف با تطبیق دادن این دیدگاه بر شرایط تاریخی ایران و تحولات هویت ایرانی و بازسازی آن در دوره‌های مختلف از عصر ساسانیان تا دوران معاصر به شرح آن پرداخته است. وی بر آن است که هم از نظر تحلیلی و هم به لحاظ هستی‌شناختی باید میان «هویت ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» تمایز قائل شد. از نظر وی روایت تاریخی-نگردر عین حال که «هویت ملی» را مقوله‌ای متعلق به عصر جدید می‌داند و «عطف به ما سبق» کردن آن را نمی‌پذیرد، «هویت فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا به امروز

دوران نیم‌قرن حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق/۱۸۹۶-۱۸۴۸م) یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود که در آن توجه به مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آرا و آثار نخبگان جامعه انعکاس یافته است. بررسی و کنکاش در این آثار و آرا نشان می‌دهد که این گرایشات فکری تحت تاثیر دو دسته از عوامل اصلی تکوین یافته‌اند. اول عوامل درونی که در بردارنده تصور، تلقی و برداشتی بود که این نخبگان از سرزمین ایران و هویت فرهنگی-تاریخی مستمر آن داشتند. بدین معنا که ایران در قرن ۱۹م با برخورداری از میراث تاریخی دیرپا و آگاهی فرهنگی نسبت به هویت خود، به عصر ملت-سازی پای گذاشته بود.<sup>۱</sup> دوم عوامل بیرونی بود که ایران از آغازین سال‌های حاکمیت قاجاریه در قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری با آن مواجه گردید.

وقوع انقلاب صنعتی و پیروزی ایدئولوژی سرمایه‌داری لیبرالیسم در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی و تشدید رقابت‌های استعماری<sup>۲</sup> بین کشورهای چون انگلیس، فرانسه و روسیه از جمله تحولات اقتصادی و سیاسی بود که در آستانه شکل‌گیری حاکمیت قاجارها رخ داده بود و سبب شد ایران از اوایل عهد قاجار درگیر مناسبات نظام بین‌الملل گردد. از حیث اوضاع داخلی ایران، گزارش‌های غالب سیاحانی که در آغاز سده نوزدهم میلادی از ایران دیدن کرده-اند؛ بیانگر بدبختی‌های مملکت در زمینه کاهش جمعیت، فقر و انحطاط اقتصادی و جدایی آن از جریان اصلی سیاست، تجارت، علم و فرهنگ جهانی

به صورت گوناگون بازسازی شده است. به این ترتیب، مفهوم تاریخی هویت ایرانی، که در دوران ساسانیان بازسازی شده بود، در دوران اسلامی با نشیب و فرازهایی تحول پیدا کرد، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت، و در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایرانی» ساخته و پرداخته شد. اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۹-۳۷ و ۴۶-۴۵.

۱. اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۸ و ۱۹۵.

۲. حاجیان پور، حمید، (۱۳۷۷)، آدم اسمیت و ظهور مکتب لیبرالیسم کلاسیک، کیهان اندیشه، شماره ۸۰، ص ۷۳.

بود.<sup>۱</sup> که خود پیامد قریب به هشتاد سال بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از سقوط صفویه به شمار می‌آید.

از طرفی عواملی همچون برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای خارجی و آمد و شد نمایندگان سیاسی این کشورها، فرایند اعزام دانشجویان به غرب و آثار سیاحان و سفرنامه‌نویسان، از اسباب آشنایی دولتمردان و نخبگان جامعه با مظاهر تجدد<sup>۲</sup> و مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی بود. به هر روی رویارویی با قدرت‌های غربی، تلاش نخبگان جامعه در جهت فهم دلایل ضعف ایران در برابر سایر کشورها و چاره‌جویی به منظور برون رفت از آن شرایط حقارت‌بار و ورود اندیشه‌ها و مفاهیم جدید غربی از یک سو و استمرار هویت تاریخی ایران و آگاهی نخبگان جامعه از مفهوم ایران و عناصر سازنده آن را می‌توان از عوامل اصلی شکل‌گیری مفهوم نوین ایران و ایران‌گرایی در قرن نوزدهم میلادی تلقی نمود. بدین‌سان ایران در آستانه ظهور قاجاریه با دو چهره از غرب مواجه گردید:

الف: توسعه طلبی استعماری ب: فنون، اندیشه‌ها و مفاهیم جدید.

در این میان تحولات ناشی از وقوع انقلاب فرانسه و آگاهی یافتن نمایندگان سیاسی ایران، دانشجویان و سفرنامه‌نویسان از پیامدهای انقلاب فرانسه موجب گردید مفاهیم و واژگان جدیدی چون: جمهور ملت، ارکان عدالت و جمهور، وکلای ملت، سلام ملتی و ملت فرانسه<sup>۳</sup> از اوایل عهد قاجار تا عصر ناصری از طریق ترجمه آثار مختلف و نیز به وسیله مدارس همچون دارالفنون و مدارس میسیونری وارد ادبیات سیاسی جامعه ایران خاصه ادبیات نخبگان گردد. بنابراین

---

۱. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، گستره، ص ۱۸.

۲. «تجدد» طرز جدیدی از تفکر و نگرشی تازه به جهان است که امری درون‌زاست و از دینامیسم درونی جوامع و با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ‌های دیگر حاصل می‌شود. برای آگاهی بیشتر ن. ک به: بهنام، جمشید (۱۳۹۴)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، فرزاد روز.

۳. توکلی طوقی، محمد، (۱۳۸۲)، تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ، تهران، نشر تاریخ ایران، ص ۲۱۴؛ آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۱)، تاریخ مدرن ایران، ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ص ۸۳؛ قیصری، علی، (۱۳۹۳)، روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه: محمد دهقانی، تهران، هرمس، ص ۳۱.

می‌توان گفت: «برداشت رایج میان نخبگان ایرانی درباره دو مقوله تجدد و ملیت، در این دوره شکل گرفته است»<sup>۱</sup>

در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، به منظور روشن شدن بحث ملیت و آشنایی با ریشه‌های تکوین مفهوم «ملت» و خاستگاه‌های آن مختصری در این باب گفته شود. اساساً نظریه‌پردازان، عناصر تشکیل دهنده ملت را در امور مختلفی جست و جو کرده‌اند. سنت فکری انقلاب فرانسه سرچشمه یکی از برداشت‌های اصلی درباره عامل تشکیل دهنده ملت بود. برحسب آن سنت، ویژگی اصلی ملت نه وحدت فرهنگی یا زبانی یا قومی، بلکه وحدت در سازمان سیاسی است. برداشت دوم برداشتی فرهنگی است. برخی نویسندگان آلمانی عوامل فرهنگی و زبان را عامل اصلی تشکیل دهنده ملت می‌دانستند. به نظر این نویسندگان آلمانی، بشریت به حکم طبیعت میان ملت‌ها تقسیم شده است نه به حکم وجود دولت‌ها. ویژگی اصلی هویت ملی، زبان است که دربرگیرنده سنت‌ها، نمادها، افسانه‌ها و تاریخ و فرهنگ مشترک هر قوم است.<sup>۲</sup> برداشت سوم، برداشت جامع‌تری است که از حد دو نظریه سیاسی و فرهنگی بالا فراتر می‌رود و در عین حال ویژگی آن دورا هم حفظ می‌کند؛ بر طبق برداشت سوم، ویژگی ملت را نباید در هویت قومی و فرهنگی یافت. برای تکوین هویت قومی، ویژگی‌های فرهنگی لازم است، اما هویت ملی فراتر از هویت قومی-فرهنگی است و وجود چندین قومیت در درون یک دولت نباید مانع تشکیل هویت ملی شود. در تعبیر فرهنگی، بسیاری از عوامل تاریخی موثر در تکوین ملت‌ها نادیده می‌مانند. ارنست رنان معتقد بود عامل

۱. کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۸۹)، صادق هدایت از افسانه تا واقعیت، ترجمه: فیروز مهاجر، تهران، طرح نو، ص ۸؛ انتخابی، نادر، (۱۳۸۱)، ناسیونالیسم و تجدد در فرهنگ سیاسی بعد از مشروطیت، نگاه نو، ۱۲، ص ۲۶-۸.

۲. برخلاف تعریف سیاسی «ملیت» که از مفهوم‌هایی چون آزادی، حق و شهروندی برمی‌خیزد، تعریف قومی-زبانی بر نژاد، خون، فرهنگ و زبان تکیه دارد. دیدگاه ژرمن که متفکرانی چون فیخته، هردر و هرمان هسه از بنیانگذاران آن هستند، نمونه‌ای از تعریف قومی ملیت است. بر اساس این دیدگاه، عشق به سرزمین مادری در قلب و خون جای دارد. بروجردی، مهرزاد، (۱۳۸۹)، تراشیدم، پرستیدم، شکستم، تهران، نگاه معاصر، ص ۳۶.

تکوین هویت ملی داشتن تاریخی مشترکی از دردها و رنج‌های همگانی و خاطرات مشترک تاریخی است. پس هویت ملی صرفاً بر اساس قومیت، زبان، سرزمین مشترک و سازمان سیاسی دولت به وجود نمی‌آید. از سوی دیگر شرط عمده تکوین هویت ملی پیدایش اراده با هم زیستن است. در صورت وجود چنان تاریخ و خاطرات عمومی و چنین اراده مشترکی مردم به رغم تفاوت‌های فرهنگی و قومی و زبانی، ملت واحدی را تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد علاوه بر فرانسه، آلمان نیز زادگاه نمادین ملت-دولت‌های مدرن و الگوی ملت‌سازی مدرن در جهان بود. رمانتیسیسم<sup>۲</sup> سده نوزدهم در اروپا یکی از دلایل خیزش ملت‌گرایی آلمانی بود. این ملت‌گرایی تا حد زیادی واکنشی در برابر دوران طولانی نفوذ فراگیر فرانسه در سیاست و فرهنگ آلمان از زمان جنگ سی‌ساله و صلح وستفالی<sup>۳</sup> در نخستین نیمه سده هفدهم، و

۱. بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، ص ۳۳-۳۱.

۲. رمانتیسیسم (Romanticism) در اصل نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به شمار می‌رود. رمانتیسیسم در آلمان و به خصوص در میان فلاسفه آلمانی با اقبال فزاینده‌ای مواجه گردید. مهمترین صفت متمایز عقاید فلسفی در آلمان آن بود که به‌طور کلی این آرا به نحوی با ناسیونالیسم مرتبط می‌شد. از جمله نظریه پردازان رمانتیک آلمان هردر (J.G Herder) بود. برای آگاهی بیشتر ن. ک. به: پالم، رابرت روزول، (۱۳۸۹)، تاریخ جهان نو، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ج ۱، ص ۷۰۸-۷۰۶؛ موسکا، گانتانو و گاستون بوتو، (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز، ترجمه: حسین شهیدزاده، تهران، مروارید، ص ۴۰۷-۴۰۶.

۳. عهدنامه صلح وستفاليا (Westphalia) پس از جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در اروپا (۱۶۴۸-۱۶۱۸م) میان کشورهای اروپایی در سال ۱۶۴۸م منعقد گردید. این عهدنامه مقدمه پیدایش سیستم یا شیوه‌ای در حقوق بین‌الملل میان دول جدید اروپایی بود که از آن به سیستم کشورهای با حق حاکمیت (Staatenmstesy) تعبیر می‌شود. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورهای دخیل به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل مورد پذیرش قرار گرفت. پالم، تاریخ جهان نوج ۱، ص ۲۴۰؛ به بیانی دیگر این عهد نامه را می‌توان سرآغاز شکل‌گیری دولت-ملت‌های (Nation-State) مدرن تلقی نمود. از جمله پیامدهای صلح وستفالی این بود که اروپا حتی در عالم تصور نیز دیگر یک جامعه مسیحی متحدی تلقی نمی‌شد، بلکه مجموعه‌ای از دولت‌ها بود، که بر اساس قانون بین‌المللی اداره می‌شد، چنان که در کتاب هوگو گروتیوس (Hugo Grotius) به نام حقوق جنگ و صلح، شامل «قوانین طبیعت و ملت‌ها» مطرح شده بود. کومین، بیت، (۱۳۹۳)، جهان اروپایی ۱۸۰۰-۱۵۰۰ در آمدی بر

زاده غرور جریحه دار شده آلمان‌ها بود.<sup>۱</sup>

از طرفی دیگر تحولات کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری مقارن با عصر ناصری نیز حائز اهمیت بود. علاوه بر پیامدهای انقلاب فرانسه، در سراسر اروپا، در سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۴۸م/۱۲۶۵-۱۲۶۴ق جنبش‌هایی صورت گرفت که باعث شروع یک دوره پیروزی‌های ملی و آزادیخواهی گردید. به نحوی که در سال ۱۸۷۱م/۱۲۸۸ق مردم اروپا تقریباً تمام آن چیزهایی را که برای آنها در سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۴۸م/۱۲۶۵-۱۲۶۴ق مبارزه کرده بودند به دست آوردند. ایتالیا خود را از دست اتریش خلاص کرده و تحت سلطنت یک پادشاه مشروطه، یک پارچه شده بود. مجارستان عملاً استقلال داخلی واقعی به دست آورده بود. آلمان تحت لوای یک حکومت لیبرال متحد شده بود. فرانسه جمهوری بود. بریتانیا به سوی دمکراسی قدم‌های بلندی بر می‌داشت. حتی روسیه استبدادی نیز دچار تب آزادیخواهی شد، به بردگان آزادی داد و به اصلاحات اداری متمایل گشت.<sup>۲</sup> دوره بین سال‌های ۱۸۷۱-۱۸۳۰م/۱۲۸۸-۱۲۴۵ق دوره‌ای بود که در آن گام‌های بزرگی در پیشرفت ناسیونالیسم در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان و مجارستان برداشته شد. دمکراسی نیز طی این مدت در اثر پیشامدهایی در ایتالیا، فرانسه، اتریش، مجارستان، آلمان، بریتانیا، روسیه و اسپانیا پیشرفت کرد. قانون‌های اساسی در این کشورها شکل گرفت، حق رای توسعه پیدا کرد، بردگی منسوخ شد و دولت‌های پارلمانی به وجود آمد.<sup>۳</sup> مجموع این تحولات در اروپای قرن نوزدهم میلادی منجر به شکل‌گیری دولت-ملت‌های نوظهور متعددی گردید.

اوایل تاریخ مدرن، ترجمه: احمد فضلی نژاد و جلال رحیمیان، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ص ۳۸۵.

۱. کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۹۳)، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ص ۱۳۱؛ پالمر، تاریخ جهان نو، ج ۱، ص ۷۰۶.

۲. لیتل فیلد، هنری. و...، (۱۳۷۳)، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، ترجمه: فریده قرچه داغی، تهران، علمی و فرهنگی، ص ۴۵-۴۴.

۳. برای آگاهی از جزئیات این تحولات ن.ک به: لیتل فیلد، هنری. و...، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، ص ۶۷-۴۴.

از طرفی ورود افکار و آرای مرتبط با ملت و ملت‌گرایی و اخبار مربوط به شکل‌گیری این واحدهای سیاسی بی‌گمان در نگرش نخبگان ایرانی عصر ناصری بی‌تأثیر نبود. به گونه‌ای که به تدریج این مفاهیم جدید وارداتی، توسط اندیشه‌ورزان جامعه، با هویت تاریخی و فرهنگی دیرپای ایران در هم آمیخت. هم از این روست که نظریه‌پردازان عرصه ناسیونالیسم در مقایسه روند شکل‌گیری ناسیونالیسم در ایران با دیگر کشورها برآند که ایران با داشتن هویت و ریشه‌های تاریخی فرهنگی مستمر وارد در عصر مدرن - که از ویژگی‌های آن رواج ناسیونالیسم بود - گردید. اندیشه‌های مدرن ملت، ناسیونالیسم و هویت ملی - به منزله مجموعه‌ای از احساسات درباره ملت و دولت مدرن که آرمان‌های خودمختاری، وحدت و رفاه ملت را می‌رساند - ذخایر تاریخی غنی هویت ایرانی را تقویت کردند. این اندیشه‌های جدید، هویت مردم را از رعایا به شهروندان تبدیل کرد و حس وطن‌پرستی و وفاداری به ملت به یک ارزش سیاسی مدرن تبدیل شد.<sup>۱</sup> تأثیرات ناشی از آشنایی با این مفاهیم خاصه در عصر ناصری باعث گردید مفهوم ایران و تلقی و برداشت از مرزهای تاریخی آن، اساطیر ایرانی، تاریخ ایران و زبان فارسی با مفاهیم جدید ملت و ناسیونالیسم که رهاورد تجدد بود گره بخورد و پایه‌های ملیت جدید ایرانی بنیان گذاشته شود.

---

۱. اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۱۹۶-۱۹۵.